

## بررسی رابطه‌ی ابعاد شخصیتی مادر با اضطراب در کودکان

دکتر انسیه بابایی\*، دکتر طاهره گلستانی بخت\*\* و قاسم یعقوبی\*\*\*



### چکیده

بهداشت روانی مادران یکی از مهمترین و زیربنایی ترین موضوعات تأثیر گذار در زندگی افراد جامعه است. هدف این پژوهش بررسی ارتباط ابعاد متفاوت شخصیتی مادر با اضطراب در کودک است. در این تحقیق بررسی شده است که آیا ابعاد شخصیتی مادر با اضطراب کودک رابطه دارد؟ سهم هر یک از ابعاد شخصیتی مادر نظیر روان رنجورخویی/ ثبات هیجانی، برون گرایی/ درون گرایی، روان پریش خویی/ کنترل تکانه بر اضطراب کودک چقدر است؟

جامعه‌ی آماری شامل تعداد ۲۱۵۰ کودک پنج و شش ساله از ۱۵۰ مهد کودک واقع در شش شهرستان در شرق استان مازندران بودند. حجم نمونه ۲۷۴ نفر کودک و مادر بود و از طریق روش نمونه گیری سیستماتیک-خوشه‌ای انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسش‌نامه‌ی شخصیت آیزنک و تست ترسیمی خانه درخت شخص بود. روش تحقیق توصیفی-مقطعی بوده است و برای تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس و رگرسیون خطی استفاده شده است. یافته‌ها نشان داد، بین ابعاد شخصیتی مادر(روان رنجورخویی/ ثبات هیجانی، روان پریش خویی/ کنترل تکانه، درون گرایی/ برون گرایی) و میزان اضطراب کودک رابطه معناداری وجود دارد. در

مجموع ویژگی های شخصیتی مادران (روان رنجورخویی، روان پریش خویی، درون گرایی) ۰/۲۴ از اضطراب کودکان را تبیین می کند.

**واژه های کلیدی:** ویژگی های شخصیتی، اضطراب، روان رنجورخویی، روان پریش خویی، درون گرایی، مادر و کودک



#### مقدمه

هر زنی؛ طور همزمان در چند بافت زندگی می کند (کرپنر و لرنر ۱۹۸۹) نزدیکترین بافت خانواده است؛ هر چند بافت های دیگری که کودک در آنها به سر می برد مثل مدرسه، گروه همسالان، نهادهای مذهبی و نظام سیاسی نیز مهم هستند. سال های اولیه ی زندگی مهمترین دوره ی رشد در تربیت و شکل گیری شخصیت فرد می باشد. کودک در محیط خانه و خانواده با عوامل انسانی متعددی در تماس است. اما مهمترین و زیربنایی ترین این عوامل، مادر می باشد. روان شناسان بر روابط کودکان با کسانی که مراقبت از آنان را به عهده دارند تأکید کرده اند و این کنش های متقابل را اساس عمده ی رشد عاطفی و شناختی قلمداد کرده اند (بالبی<sup>۱</sup>، ۱۹۶۹؛ فروید، ۱۹۶۴؛ واتسون، ۱۹۲۸) نظریه هایی وجود دارد که در زیربنای تربیت کودک، محور اصلی را مادر - کودک می دانند. زیرا این نظریه ها عناصری را یافته و عرضه کرده اند که در درک وضعیت عاطفی و مشکلات کودک نقش بنیادی را ایفا می کنند. اهمیتی که نظریه پردازان روابط موضوعی برای نقش کلیدی مادر در تحول کودک قائلند تا حدی است که برخی از آنها مانند وینی کات (دادستان، ۱۳۸۳) معتقدند که «در آغاز زندگی اصلاً» نوزاد بدون مادر وجود ندارد». لذا اختلال در این روابط اولیه ی مادر-کودک به دلایلی مانند ویژگی های خاص شخصیتی مادر، اختلال روانی مادر، عدم آشنایی مادر در تربیت فرزند، عدم برقراری رابطه ی مناسب و اصولی با کودک می تواند اساس و زیربنای اختلالات هیجانی بعدی در زندگی آتی کودک باشد. سه نظریه ی عمده ای که درباره ی رشد اجتماعی کودک بر رابطه ی بین کودک و مادر به عنوان عاملی بسیار مهم و حساس تأکید می کنند شامل نظریه ی روانکاوی، نظریه ی یادگیری اجتماعی و نظریه ی کردارشناسی است.

<sup>۱</sup>- Bowlby

تحقیقات نشان داده اند که در سال های اولیه ی رشد کودکان قدرت تکلم شان در حدی است که نمی توانند به وسیله ی آن به راحتی با دیگران ارتباط برقرار کنند و در بسیاری از مواقع این ارتباط از طریق فعالیت هایی چون نقاشی و بازی صورت می گیرد. روانکاوی، نقاشی را یکی از طریقه های شناخت کودکان معرفی می کند. در نقاشی چیزی را باید به دست آورد که در گفتگو با کودک عاجز از به دست آوردن حالات درونی کودک باشیم. نقاشی که کودک انجام می دهد در سنین ۳-۷ سالگی از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا او هنوز فرم و شکل اجتماعی جامعه را به خود نگرفته است و از زیر و بم و زیرکی های اجتماعی آگاه نیست و خالصانه با خود صادق است. استفاده از ترسیم در روانسنجی، دارای سابقه ای طولانی است. در زمینه های سنجش هوش و استعدادهای ذهنی، سنجش کارکرد سیستم اعصاب مرکزی و ضایعات مغزی و سنجش شخصیت و اختلالات آن، از بین فعالیت های هنری کودک، نقاشی نقش مهمی را ایفاء می کند. زیرا اهمیت نقاشی کودک در سال های اولیه ی رشد او بیشتر است، چرا که از الگوهای قراردادی ترسیم فاصله ی زیادی دارد. در این سال ها کودک هر طور که مایل است و با هر چه که در دسترس اوست نقاشی می کند. در واقع نقاشی برای او وسیله ای است که خواسته ها، مشکلات، احساسات، افکار و آرزوهای او را به شکلی مطلوب منعکس می کند. بنابراین روان شناسان کودک از آن به عنوان یک ابزار تشخیصی استفاده می کنند. تست ترسیمی خانه، درخت آدم به منزله ی سه شیوه ی فرافکنی «تصویر خود» هستند زیرا از دیدگاه باک این سه موضوع به منزله ی سه شیوه ی فرافکنی «تصویر خود» هستند (کرمن، ۱۳۸۵).

قبل از این که مشکلات به وجود آیند، لازم است که روی پیشگیری تمرکز شود. از آنجایی که انواع مشکلات روان شناختی مادر با مشکلات رفتاری کودک مرتبط است (لیونز - رات<sup>۱</sup> کونل، گرونیوم و برتین، ۱۹۹۳)، یکی از عوامل پیشگیری توجه به سلامت روانی مادر است. روان شناسان در بیشتر سال های قرن حاضر بر روابط کودکان با کسانی که مراقبت از آنان را به عهده دارند تأکید کرده اند و این کنش های متقابل را اساس عمده ی رشد عاطفی و شناختی قلمداد کرده اند (بالبی، ۱۹۶۹؛ فروید<sup>۲</sup>، ۱۹۶۴؛ واتسون<sup>۳</sup>، ۱۹۲۸). در سال های اخیر پژوهش های دامنه

1 - Lyons – Ruth, K.

2 - Freud

3 - Watson

داری درباره ی عوامل خانوادگی مؤثر به ویژه مادر در رفتار و طرز فکر کودک انجام شده است. این پژوهش ها نشان می دهند تأثیر مادر بر شخصیت کودک بسیار مهم و حیاتی است. آنا فروید و ملانی کلاین<sup>۱</sup> (کرمن، ۱۳۸۵) در مورد شکل گیری رگه های مرضی در نخستین سال های زندگی کودک مطالعات بسیاری انجام داده اند. تحقیقات این محققین بیانگر این است که چند سال اول زندگی، یعنی زمانی که انسان قدم به جهانی می گذارد که هیچ کنترلی بر آن ندارد و بدون هیچ آگاهی قبلی و شناختی در معرض تجارب گوناگون و اتفاقات غیر مترقبه قرار می گیرد، تأثیری عمیق بر شکل گیری شخصیت انسان دارد و ریشه ی بسیاری از ناهنجاری های روانی و اختلالات شخصیتی را می توان در چند سال اول زندگی جستجو کرد.

رشد عاطفی یکی از مهمترین ویژگی های روانی انسان است. اساس اخلاق و رفتار روانی کودکان برآیندی از درهم آمیختگی وراثت، شیوه های رفتاری خانواده و جامعه است هر کودکی نیز با خلق و خوی خاص یا سبک فردی خاص پاسخدهی به محیط به دنیا می آید (توماس<sup>۲</sup>، چس<sup>۳</sup> و بیرچ<sup>۴</sup>، ۱۹۷۰) کودکانی که خلق و خوی متفاوتی دارند، در واکنش های فیزیولوژیک، نیز متفاوتند (هافمن<sup>۵</sup> و همکارانش ۱۹۹۸). برای مثال کودکانی که از حضور در موقعیت های اجتماعی جدید پرهیز می کنند و خیلی راحت می ترسند و مضطرب می شوند غالباً آدم های خودداری در نظر گرفته می شوند. کودکانی هم که رفتارهای متضادی دارند و با اعتماد به نفس زیادی با موقعیت های اجتماعی جدید برخورد می کنند هم آدم های جسوری تلقی می شوند. در این الگوهای رفتاری، عوامل ژنتیکی نقش مهمی دارند (راینسون<sup>۶</sup>، کاگان، رزیک و کورنی، ۱۹۹۲). اما عوامل دیگری نیز در این میان مهم هستند. پاسخ والدین مثل برون گرایی، کمرویی و اجتنابی بودن آنها نیز بر پاسخ های کودکان تأثیر می گذارند (روبین<sup>۷</sup>، هاستینگز، استوارت، هندرسون و چن ۱۹۹۷). شواهد محکمی وجود دارند که نشان می دهند که

- 1 - Kelin, M
- 2 - Thomas, A
- 3 - Chess, S
- 4 - Bich, H. G.
- 5 - Haphman
- 6 - Robnson, J. L
- 7 - Rubin, K. H.

برون گرای و درون گرایی یک مؤلفه ی ژنتیکی دارد ( پایک<sup>۱</sup> و پلومین<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶ ) ۲۰ تا ۴۵ درصد از تغییر پذیری موجود در برون گرایی، ثبات هیجانی، خوشایند بودن وظیفه شناسی افراد محصول عوامل ژنتیکی است ( لئوهلین<sup>۳</sup>، ۱۹۹۲، روز<sup>۴</sup>، ۱۹۹۵ ) متوسط بودن نقش تسوارث در این صفات نشان می دهد که علاوه بر ژنتیک، محیط نیز در این صفات نقش دارد ( ملینس<sup>۵</sup>، گاتز<sup>۶</sup> و بیکر<sup>۷</sup>، ۱۹۹۶ ).

مروری بر پژوهش هایی که در زمینه اثرات ویژگی های نابهنجار مادر بر اختلالات کودک وجود دارد، نشان می دهد که در تحول و تکامل شخصیت، کودک خصوصیات از والدین و اجداد خود به ارث می برد. عوامل محیطی نیز در شکل دادن و شکوفا کردن هر نوع استعداد و ویژگی های شخصیتی سهم بسزایی دارند. اکثر نظریه ها در ارتباط با رشد کودک، چه از نظر شخصیتی و چه از نظر فیزیکی بر تعامل فطرت با محیط باور دارند. با این حال اختلاف نظرهایی نیز در نسبت و میزان نفوذ هر یک از دو عامل دیده می شود. بر حسب نظر میلر<sup>۸</sup> (۱۹۹۳)، هرگاه فطرت و محیط را در دوسوی یک پیوستار در نظر گیریم، برخی از نظریه ها در وسط و برخی دیگر در فاصله هایی کم و بیش نزدیک به یکی از دو قطب قرار می گیرند. پیازه، دقیقاً یک نظریه پرداز تعاملی است. بر حسب او رشد روانی حاصل تعامل میان عوامل زیستی با تجربیات فیزیکی و اجتماعی از خلال یک تعادل جویی مستمر است. اریکسون نیز بر تعامل زیستی با اجتماعی تاکید دارد. هر دو نظریه در خط میانی پیوستار قرار می گیرند. ولی نظریه ی یادگیری های اجتماعی و نیز نظریه های زمینه نگر مانند نظریه ی تاریخی - فرهنگی ویگوتسکی بیشتر در جهت قطب محیط و بر عکس آن، کردارشناسی و تا اندازه ای نظریه ی فروید به سوی قطب فطرت گرایش دارند.

- 
- 1 - Pike,A
  - 2 - Plomin, R.
  - 3 - Loehlin,J.C.
  - 4 - Rose
  - 5 - Mellins,C.A
  - 6- Gatz,M.
  - 7 - Baker,L.
  - 8 - Miller

روان شناسان معتقدند که بسیاری از جنبه های محیط می تواند بر رابطه ی والدین و کودکان تأثیر بگذارد. با شناسایی این جنبه ها می توانیم مداخله های مناسبتری را طراحی کنیم تا نحوه ی تربیت کودکان بهبود یابد و جلوی مشکلات بعدی آنان گرفته شود (سیچتی<sup>۱</sup> و توت<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸). لیونز رات<sup>۳</sup> و کانل، گرونهام، بوتین (۱۹۹۰) به بررسی تأثیر مشکلات جدی روانی- اجتماعی مادر با مشکلات رفتاری و دلبستگی کودک پرداختند. نتایج حاکی از آن بود که قوی ترین پیش بینی کننده ی رفتار خصومت آمیز و پرخاشگری کودک نسبت به همسالان، مشکلات روانی مادر از جمله اضطراب است. رابطه ی بین نشانه های مرضی مادر و شایستگی های اجتماعی کودک را می توان در پژوهش فین من<sup>۴</sup> و نویس<sup>۵</sup> (۱۹۸۳) دید. این پژوهش نشان می دهد که رفتار مادر از همان سنین اولیه در واکنش کودک به دنیای بیرون و اجتماع مؤثر است. براساس این آزمایش، هنگامی کودکان کم سن بیشترین حالت دوستانه را با غریبه ها دارند که مادر به شیوه ای دوستانه با آنها (غریبه ها) ارتباط برقرار سازد. پژوهش خانجانی و دادستان (۱۳۸۲) نیز نشان داد که مادران نایمن و مضطرب شرایط مراقبتی و پرورشی را ایجاد می کنند که لزوماً نشانه های مرضی مادر را منعکس می کند (مانند بیقراری، تحریک پذیری، طرد شدگی، ناامیدی، غم). احتمال دارد رفتارها و حالت روانی فرد نایمن و مضطرب بالقوه با منش ها و مسئولیت مراقبتی و تحول یک ارتباط عاطفی خوب و سالم با کودک مداخله کند. گزل بیشترین تأکید را بر اهمیت دوران پیش دبستانی دارد و سهم حیاتی این دوره را در شکل گیری شخصیت کودک گوشزد می کند. پایه های شخصیت، در سنین پیش دبستانی استوار می شود. مشکلات هیجانی والدین بر روابط آنها با اطفال تأثیر می گذارد و باعث ایجاد دلبستگی مضطربانه می شود. مادرائی که اختلال روانی دارند مادران مسؤلیت پذیری نیستند. در نتیجه احتمال تشکیل دلبستگی توأم با نایمنی در فرزندشان بیشتر است. مادران کودکانی که دلبستگی مضطربانه دارند، احساس نایمنی می کنند. به همین دلیل هم رفتارهایی را مرتکب می شوند که بر کیفیت تعامل آنها با فرزندشان تأثیر می گذارد.

1 - Citchi

2-Toote

3- Lyons – Ruth,K

4 - Feinman,S

5 - Lewis,M

همدلی و معاشرتی بودن این مادران کمتر است (ایزارد<sup>۱</sup>، هاینز<sup>۲</sup>، کیشولم<sup>۳</sup> و باک<sup>۴</sup>، ۱۹۹۱). بر این اساس، ویژگی‌های نابهنجار مادر می‌تواند نقش مؤثری در شکل‌گیری اثرات روانی کودک به خصوص در تحول شخصیت کودک داشته باشد. لازارتیگوس<sup>۵</sup> (نقایسان و صاحبی، ۱۳۷۲) ادعا کرد که تقریباً سالانه ۵ هزار کودک در فرانسه از مادران سایکوتیک به دنیا می‌آیند. اما یافته‌های زیادی هنوز در این زمینه در ایران صورت نگرفته است. در حالی که به نظر می‌رسد که چنین پژوهش‌هایی از نظر بهداشت روانی مادر/کودک بسیار اهمیت دارند؛ زیرا به بسیاری از معضلات مرتبط به پیشگیری از تأثیر مشکلات مادر بر کودک پاسخ می‌دهند.

بنابراین سؤال‌های تحقیق در این پژوهش عبارتند از:

- ۱) آیا اضطراب در کودکان بر اساس متغیرهای شخصیتی روان رنجورخویی/ ثبات هیجانی مادران قابل پیش‌بینی است؟ و سهم این متغیر در تبیین اضطراب کودکان چقدر است؟
- ۲) آیا اضطراب در کودکان بر اساس متغیر شخصیتی درون‌گرایی/ برون‌گرایی مادران قابل پیش‌بینی است؟ و سهم این متغیر در تبیین اضطراب کودکان چقدر است؟
- ۳) آیا اضطراب در کودکان بر اساس متغیر شخصیتی روان پریش خویی/ کنترل‌تکانه مادران قابل پیش‌بینی است؟ و سهم این متغیر در تبیین اضطراب کودکان چقدر است؟

## • روش

روش تحقیق توصیفی - مقطعی است. جامعه‌ی آماری مورد مطالعه عبارت از ۲۱۵۰ نفر کودکان ۵-۶ ساله و مادرانشان بودند که این کودکان در اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۶ در بین ۱۵۰ مهد کودک موجود در مهدکودک‌های خصوصی شهرهای بهشهر- نکا - ساری - قائم شهر- بابل و بابلسر در استان مازندران وابسته به سازمان بهزیستی استان مازندران بوده‌اند. نمونه‌گیری به روش سیستماتیک - خوشه‌ای انجام شد. حجم نمونه بر اساس فرمول کریجسی - مورگان،

بر حسب نسبت به دست آمده ۳۰۰ نفر بود که با توجه به افت آزمودنی ها حجم نمونه مورد تحلیل قرار گرفته، ۲۷۴ نفر کودک با مادرش بوده است.

در پژوهش حاضر جهت جمع آوری اطلاعات از ابزارهای زیر استفاده شده است:

۱. آزمون فرافکن خانه - درخت - شخص برای کودک

۲. پرسش نامه ۹۰ سؤالی شخصیت آیزنک برای مادر. پرسش نامه ۹۰ سؤالی شخصیت

آیزنک توسط اچ . ج. آیزنک و سیل . ب. آیزنک در ارتباط با سنجش گونه ها و صفاتی از مجموعه شخصیتی افراد شکل گرفته است. مبنای نظری آن این است که شخصیت از برون گرایی / درون گرایی، روان رنجورخویی / ثبات هیجانی، روان پریش خوویی / کنترل تکانه تشکیل شده است. پایایی پرسش نامه شخصیتی آیزنک با حذف سوال ۷۱ حدود ۰/۶۷ به دست آمده است.

آزمون خانه- درخت- شخص در اصل توسط باک(۱۹۴۸) و باک و هومر (۱۹۶۹) تدوین شد که استدلال سی کردند علاوه بر نقاشی های تصویر انسان، نقاشی های خانه و درخت نیز احتمالاً با جنبه هایی مربوط به شخصیت شخص رابطه دارند. پژوهش تجربی در مورد آزمون خانه - درخت - شخص تا اندازه ای آن را تایید می کند. باک (۱۹۶۶) بین آزمون وکسلر و نمره گذاری کمی این آزمون همبستگی معنادار یافت (۰/۷۵). همچنین همبستگی نسبتاً پایدار اما قابل قبول بین آزمون وکسلر تجدید نظر شده و نظام نمره گذاری کمی باک به دست آمده است (های برگر، ابل و جانسون، ۱۹۴۴).

تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از روش تحلیل رگرسیون چند متغیره انجام شده است.

## نتایج

نتایج این پژوهش بر اساس سؤال های تحقیق در زیر ارایه می شود.

سؤال ۱) آیا اضطراب در کودکان بر اساس متغیرهای شخصیتی روان رنجورخویی / ثبات هیجانی مادران قابل پیش بینی است؟ و سهم این متغیر در تبیین اضطراب کودکان چقدر است؟

در بررسی سهم متغیر روان رنجورخویی / ثبات هیجانی مادران در پیش بینی میزان اضطراب کودکان با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره نتایج زیر به دست آمد.



جدول ۱: خلاصه‌ی مدل رگرسیون و مشخصه‌های آماری رگرسیون

متغیر	$R^2$	SEB	$\beta$	F	همبستگی
روان رنجورخویی / ثبات هیجانی مادران	۰/۰۴	۰/۱۳	۰/۴۸	۱۱/۹ (۱,۲۷۴)***	۰/۲۰

\*\*\*  $p \leq ۰/۰۱$ 

متغیر پیش بینی شونده: اضطراب کودکان

بر اساس این نتایج، میزان  $F$  مشاهده شده معنا دار ( $P < ۰/۰۱$ ) و  $۰/۰۴$  درصد واریانس اضطراب کودکان توسط روان رنجورخویی مادران تبیین می شود. ضریب تأثیر (شیب خط) روان رنجورخویی / ثبات هیجانی مادران برابر ( $\beta = 0/48$ ) بوده است و با توجه به آماره‌های  $t$  نشان می دهند که این متغیر در سطح معنی داری  $۰/۰۱$  تغییرات مربوط به اضطراب کودکان را پیش بینی می کند.

سوال ۲) آیا اضطراب در کودکان بر اساس متغیر شخصیتی درون گرایی / برون گرایی مادران قابل پیش‌بینی است؟ و سهم این متغیر در تبیین اضطراب کودکان چقدر است؟ در بررسی سهم متغیر درون گرایی / برون گرایی مادران در پیش بینی میزان اضطراب کودکان با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره نتایج زیر به دست آمد.

جدول ۲: خلاصه‌ی مدل رگرسیون و مشخصه‌های آماری رگرسیون

متغیر	$R^2$	SEB	$\beta$	F	همبستگی
برون گرایی / درون گرایی مادران	۰/۰۸	۰/۱۵	۰/۷۷	۲۶/۴۷ (۱,۲۷۴)***	۰/۲۹

\*\*\*  $p \leq ۰/۰۱$ 

متغیر پیش بینی شونده: اضطراب کودکان

بر اساس این نتایج، میزان  $F$  مشاهده شده با  $P < 0/01$  معنا دار است و  $۰/۰۸$  درصد واریانس مربوط به اضطراب کودکان توسط درون گرایی مادران تبیین می شود. ضریب تأثیر (شیب خط) برون گرایی / درون گرایی مادران برابر ( $\beta = 0/77$ ) بوده است. با توجه به آماره‌های  $t$  نشان می دهند که این متغیر در سطح معنی داری  $۰/۰۱$  تغییرات مربوط به اضطراب کودکان را پیش بینی می کنند.

سوال ۳) آیا اضطراب در کودکان بر اساس متغیر شخصیتی روان پریش خوئی / کنترل تکانه مادران قابل پیش‌بینی است؟ و سهم این متغیر در تبیین اضطراب کودکان چقدر است؟ در بررسی سهم متغیر روان پریش خوئی / کنترل تکانه مادران در پیش‌بینی میزان اضطراب کودکان با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره نتایج زیر به دست آمد.

جدول شماره ۳: خلاصه مدل رگرسیون و مشخصه های آماری رگرسیون

متغیر	R <sup>2</sup>	SEB	$\beta$	F	همبستگی
روان پریش خوئی / کنترل تکانه مادران	۰/۱۲	۰/۱۵	۰/۹۵	۴۰/۱۶ (۱/۲۷۴)***	۰/۳۵

\*\*\*  $p \leq ۰/۰۱$

متغیر پیش‌بینی شونده: اضطراب کودکان

بر اساس این نتایج، میزان F مشاهده شده با  $P < 0/001$  معنا دار است و با ضریب اطمینان (۰/۹۹) (۰/۱۲) درصد واریانس مربوط به اضطراب کودکان توسط روان پریش خوئی مادران تبیین می‌شود. ضریب تأثیر (شیب خط) روان پریش خوئی / کنترل تکانه مادران ( $\beta = 0/95$ ) است. با توجه به آماره های t نشان می‌دهند که این متغیر در سطح معنی داری ۰/۰۱ تغییرات مربوط به اضطراب کودکان را پیش‌بینی می‌کنند.

#### • بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط ابعاد مختلف شخصیتی مادر نظیر روان رنجورخوئی / ثبات هیجانی، برونگرایی / درونگرایی روان پریش خوئی / کنترل تکانه بر روی اضطراب کودک و تعیین سهم این ویژگی‌ها در تبیین اضطراب کودکان انجام گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین روان رنجورخوئی / ثبات هیجانی مادر، درون‌گرایی / برون‌گرایی مادر و روان پریش خوئی / کنترل تکانه مادر و اضطراب کودک رابطه وجود دارد. در پیش‌بینی تغییرات اضطراب کودکان سهم متغیر روان رنجورخوئی مادران ۰/۰۴، درون‌گرایی مادران ۰/۰۸ و روان پریش خوئی مادران ۰/۱۲ است. در مجموع ۰/۲۴ درصد از تغییرات مربوط به اضطراب کودکان توسط این متغیرها پیش‌بینی می‌شود.

این نتایج با یافته‌های پژوهش‌های دیگر هماهنگ است. مثلاً، لایونز روث<sup>۱</sup> و همکاران، ۱۹۹۰ و نیچد<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹، (به نقل از بحری، ۱۳۷۶) نشان دادند که علایم اضطرابی و اختلال خواب مادر، پیش‌بینی‌کننده‌ی مشکلات کلی رفتاری، فزون‌کنشی پرخاشگری و نقص توجه کودک بود. همچنین علایم افسردگی مادر، اضطراب و افسردگی کودک را پیش‌بینی می‌کرد. مادران افسرده حالات منفی بیشتری دارند و تعامل مثبت کمتری با فرزندشان برقرار می‌کنند. همچنین در هنگام تعامل با فرزندشان حساسیت کمتری دارند و نیز در مطالعات خود دریافتند که نوع رفتار مادر به عنوان مثال یک مادر بی‌ثبات و پرخاشگر، می‌تواند باعث تخریب توانایی‌ها و عدم رشد روانی اجتماعی و در نهایت منجر به اختلالات رفتاری شود. همچنین علایم اضطرابی و اختلال خواب مادر، پیش‌بینی‌کننده‌ی مشکلات کلی رفتاری، فزون‌کنشی پرخاشگری و نقص توجه کودک بود و علایم افسردگی مادر، اضطراب و افسردگی کودک را پیش‌بینی می‌کرد. این یافته‌ها نتایج مطالعات امیری مجد (۱۳۸۶) نیز همسو بوده است که علایم اضطرابی و اختلال خواب مادر را پیش‌بینی‌کننده‌ی مشکلات کلی رفتاری، فزون‌کنشی پرخاشگری و نقص توجه کودک دانسته است و این که علایم افسردگی مادر، اضطراب و افسردگی کودک را پیش‌بینی می‌کرد. پژوهش امیری مجد نشان داد که سلامت روانی مادر با مشکلات رفتاری کودک ارتباط دارد.

با توجه به یافته‌های پژوهش مبنی بر تأثیر ابعاد متفاوت شخصیتی مادر بر اختلال رفتاری کودک، پیشنهاد می‌شود که والدین به خصوص مادران جهت ارتقای بهداشت روانی برای پیشگیری از تأثیر مشکلات رفتاری مادر بر روی رفتار کودک، آموزش و راهنمایی لازمه را دریافت دارند. همین‌طور برای پیشگیری از مشکلات آتی در زمینه‌ی مادر/کودک، همه مادران همان‌گونه که آزمایش خون یک امر اجباری است، آزمایش سلامت روان نیز توسط ارگان‌های مربوطه از والدین به خصوص مادران به عمل آید تا پیشگیری‌های لازم در این خصوص به عمل آید. همچنین می‌توان قانونی گذراند که بر اساس آن افرادی که در صدد تشکیل خانواده

هستند، در مرحله ی پیش از ازدواج، در کلاس های مشاوره پیش از ازدواج و مشاوره پیش از مادر شدن شرکت کنند.



### منابع

- ۱- امیری مجد، م. (۱۳۸۶). رابطه ی مشکلات رفتاری کودکان عقب مانده ذهنی خفیف، کودکان دارای نشان تن داون، کودکان در خود مانده و عادی با سلامت روانی مادر. تهران: پایان نامه دکتر، واحد علوم و تحقیقات.
- ۲- بحری، ش. (۱۳۷۶). بررسی تأثیر نوع رفتار مادر و ایجاد زمینه های وابستگی در کودک. زنجان: سومین سمینار سراسری اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان- دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان زنجان، ۲۳-۲۵ مهرماه.
- ۳- خانجانی، ز. و دادستان، پ. (۱۳۸۲). بررسی رابطه نشانه های مرضی مادر با شکل گیری دلستگی و مشکلات رفتاری اجتماعی کودکان پیش دبستانی. مجله روان شناسی، سال هفتم، شماره ۳.
- ۴- دادستان، پ. (۱۳۸۳). ارزشیابی شخصیت کودکان بر اساس آزمون های ترسیمی. چاپ سوم. انتشارات رشد.
- ۵- کرمن، ل. (۱۳۸۵). تقاضای کودکان: کاربرد تست، ترسیم خانواده در کلینیک. ترجمه دادستان، پ. و منصور، م. چاپ چهارم. تهران: انتشارات رشد.
- ۶- نقاییان و صاحبی (۱۳۷۲). مشکلات روان پزشکی والدین و اثر آن بر بهداشت روانی کودک. زنجان: دومین سمینار سراسری اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان - دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان زنجان، ۲۷-۲۹ مهر ماه
- 7- Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss*. New York: Attachment. Basic Books, vol 1.
- 8- Buck, J. N. (1948). The H-T-P Technique: A qualitative and quantitative scoring manual. *Journal of Clinical Psychology*, 4 317-396.
- 9- Buck J. W, Hammer E. F. (1969). *Advance in House-Tree-Person Techniques: Variations and, applications*. Los Angeles: C. A. Western Psychological.

- 10- Cicchetti, D. and Toth, S. L. (1998). *Perspective on research and practice in developmental psychopathology*. In W. Damon (Editor in chief) & I.E.Sigel and K. A. Renninger, Handbook of child psychology (5<sup>th</sup> ed., Vol.4, pp.479-584) New York: Wiley.
- 11- Freud, S. (1964). *An outline of psychoanalysis*. Standard editor of the works of Sigmund Freud. London: Hogarth Press.
- 12- Feinman, S, and Lewis , M.(1983). Social referencing at ten months: A second order effect on infants' responses to strangers. *Child DEVELOPMENT*, 54, 878 – 887.
- 13- Huffman. L., Bryan, Y. E., del Carmen, R., Pederson, F. A., Doussard: Roosevelt, J. A, and Porges, S.W.(1998). Infant temperament and cardiac vagal tone Assessment at twelve weeks of age. *Child Development*, 69, 624-635.
- 14- Izard, C. E., Haynes, O. m., Chisholm, G., and Baak.K.(1991). Emotional determinants of infant – mother attachment . *Child Development*, 62, 906 – 917. <http://www.uic.edu>.
- 15- Krepner, K., and Lerner , R. M(1989). *Family systems and life – span development : Issues and perspectives* . In K. Krepner & R.M . Lerner (Eds ), Family systems and life – span development ( pp.1-15). Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- 16- Loehlin,L.C. (1992). *Genes and environment in personality development*. Newbury Park, CA: Sage.
- 17- Lyons- Ruth, K., Connell,D., Grunebaum,H., and Botein,S.( 1990). Infants at social risk: Maternal depression and family support services as mediators of infant development and security of attachment. *Child development*, 61, 85 – 9.
- 18- Mellins, C. A., Gatz,M., and Baker, L.( 1996).Children's methods of coping with stress : A twin study of genetic and environmental influences . *Journal of child psychology and psychiatry*, 37,721-730.
- 19- Miller, R.H. (1993). *Theories of developmental psychology (3<sup>rd</sup> Ed.)*. New York: Freeman.
- 20- Pike,A., and Plomin, R.(1996). Importance of nonshared environmental factors for childhood and adolescent psychology. *Journal of the American Academy of Child and Adolescent Psychiatry*, 35, 560 – 570.
- 21- Rubin, K., H., Hastings, P. D., Stewart, S. L., Henderson, H. A., and Chen, X.(1997).The consistency and concomitants of inhibition: Some of the children, all of the time. *Child Development*, 68, 467-484.
- 22- Rubinson, J. L, Kagan., J., Rezick, J. S., and Corly.(1992). The heritability of inhibited and uninhibited behavior : A twin study. *Developmental psychology*, 28, 1030-1038.

23- Thomas, A., Chess, S., and Birch, H.G.(1970). The origins of personality. *Scientific American*, 102-109.

24- Watson, J. (1928). *Psychological care of infant and child*. New York: Norton.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی